

## ایران در هفته‌ای که گذشت!

بهرام رحمانی  
bamdadpress@swipnet.se

### شورش در زندان مهاباد و وقایع اخیر در این شهر

مردم ستم‌دیده و محروم و آزادی‌خواه کردستان، ۲۳ سال است که برای احقاق حقوق شهروندی و سیاسی و اجتماعی خود، همگام با آزادی‌خواهان، کارگران و کمونیست‌های سراسر ایران مبارزه می‌کنند. در حالی که رژیم، بیش از سیصد هزار نفر از نیروهای سرکوبگر خود را در این منطقه به حال آماده باش مستقر کرده است، اما علی‌رغم آن زحمتکشان و کارگران و جوانان کردستان، هرگز مرعوب این رژیم سرکوبگر و آدمکش نشده‌اند و همواره به مقاومت و مبارزه سیاسی، انسانی و اجتماعی خود ادامه می‌دهند. مردم کردستان، از هر فرصتی استفاده می‌کنند تا جنبش توده‌ای بر علیه رژیم به راه بیندازند. بدنبال کشتار ۳ نفر و زخمی شدن تعدادی از مردم محروم کردستان، به دست نیروهای رژیم، مردم شهر مهاباد، با مردمی که از شهرهای سردشت و پیرانشهر به این شهر آمده بودند دست به حرکت‌های اعتراضی زدند. در رابطه با ناآرامی‌های کردستان، به اقرار مقامات رژیم، در این مورد اشاره می‌کنیم: حاصل داسه نماینده پیرانشهر و سردشت، در مجلس شورای اسلامی، با اشاره به این واقعه آن را «عملکرد خودسرانه نیروی انتظامی» خواند و گفت: «این همه اعتبار به این نیرو داده شده تا قاچاقچیان را زنده بگیرد، در حالی که اولین تیر شلیک شده آن‌ها منجر به کشته شدن سه فرد می‌شود». وی در گفت‌وگو با ایسنا اقرار کرد: «از طرفی هیچ کاری برای اشتغال‌زایی نمی‌کنیم و از طرفی دیگر می‌خواهیم مرزها را سفت و سخت ببندیم».

عبداللهی فرماندار مهاباد نیز گفت: «در این درگیری سه قاچاقچی کشته و دو نفر مجروح شدند که یک نفر از مجروحان فراری است». وی با اعلام این مطلب که «به دنبال این درگیری‌ها بستگان قاچاقچیان با اقداماتی در سطح شهر، به برخی از ادارات و بانک‌ها حمله کرده و شیشه آن‌ها را شکستند، ۱۵ نفر از اخلاص‌گران دستگیر شده‌اند»، افزود: «در این حادثه همچنین ۳ نفر از نیروی انتظامی و یک نفر از مردم مجروح شدند که حال همگی آن‌ها رو به بهبودی است».

هنگامی که شهر مهاباد، به حالت فوق‌العاده نظامی درآمد بود، از زندان این شهر، صدای تیراندازی شنیده شد و بار دیگر سکوت شهر شکست. در شهر شایع گردید که زندانیان دست به شورش زده‌اند و با نیروهای انتظامی درگیر شده‌اند. این شایعات بلافاصله تمام کردستان و دیگر نقاط ایران را فراگرفت. به ویژه گفته شد که تعدادی از زندانیان و ماموران انتظامی کشته و یا زخمی شده‌اند. ابراهیم صفوی، مدیر کل زندان‌های آذربایجان غربی، در رابطه با شورش زندانیان مهاباد، به خبرنگار ایسنا گفت: روز یکشنبه ساعت ۱۴ تعدادی از زندانیان مهاباد با نقشه قبلی قصد فرار داشتند که در این امر ناگام ماندند. این عده با استفاده از فرصت ملاقات به مامور ملاقات حمله کرده و آنان در خروجی اتاق ملاقات را باز کردند.

وی افزود: «زندان‌های شورش‌ناپذیر اقدام به شکستن تلفن، شیشه‌های در و پنجره، لوله‌های آب و گاز و غیره نموده و یکی از پرسنل نیروهای انتظامی حاضر را به گروگان گرفتند. مدیر کل زندان‌های استان آذربایجان غربی گفت، بلافاصله نیروی‌های حفاظتی زندان وارد عمل شده و به دست گرفتن کنترل اوضاع اقدام کردند».

وی مدت کل واقعه را ۴۵ دقیقه عنوان کرد و گفت: «از آن‌جا که زندانیان اقدام به ضرب و جرح مامورین کردند، نیروهای انتظامی حاضر مجبور به شلیک شدند که در نتیجه آن دو تن از زندانیان مجروح و سرباز گروگان به شهادت رسید. وی تعداد نیروهای انتظامی آسیب دیده را دو نفر مجروح ذکر کرد». صفوی، نگفت که چه تعداد از زندانیان احتمالاً کشته شده‌اند. بنا به اقرار این زندانیان، یکی از نگهبانان زندان که توسط زندانیان گروگان گرفته شده بود در اثر تیراندازی مامورین حفاظت زندان کشته می‌شود، اما هیچ‌کدام از زندانیان کشته نمی‌شوند سؤال برانگیز است!

## تشدید سانسور و اختناق

موج تازه‌ای از تهدید و فشار بر روزنامه‌نگاران و نویسندگان در ایران آغاز شده است. کانون نویسندگان ایران، در نامه‌ای سرگشاده به محمد خاتمی رییس جمهور، رییس مجلس و رییس قوه قضائیه، نسبت به احضار فعالین فرهنگی اعتراض کرده است.

در بخشی از این نامه سرگشاده آمده است: ... پس چگونه است که حیرت ما از گرفتاری ناگاه آقای ناصر زرافشان، عضو کانون نویسندگان ایران، نکاسته می‌شود دیگر عضو کانون خانم شیرین عبادی، به مراجع قاضی خوانده می‌شود و در پی آن دو تن از اعضای هیئت دبیران کانون نویسندگان، آقای سیدعلی صالحی و آقای جواد مجابی، نیز در روزهای دوم و سوم شهریور احضار و ساعت‌ها بازجویی می‌شوند و این ماجرا تا این لحظه ادامه داشته است...).

نظام‌های استبدادی در اعمال سانسور مطلق هیچ‌گاه موفقیت نداشته و به زعم کوشش‌های همه جانبه‌ای که برای بستن دهان فعالین فرهنگی به کار بسته‌اند، نویسندگان و روزنامه‌نگاران مترقی و پیشرو و چپ با واکنش‌ها و مقاومت‌های اجتماعی و فرهنگی، به دفاع از آزادی بیان و قلم و عقیده برخاسته‌اند. قاضی مرتضوی رییس شعبه ۱۴۱۰ دادگاه عمومی تهران روز یکشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۸۱، دستور توقیف روزنامه «گلستان ایران» و هفته نامه «وقت» را صادر کرد. به گزارش ایرنا، در دستور توقیف که خطاب به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است، اتهام «فروزان اصف نخعی» مدیر مسئول روزنامه گلستان ایران، چاپ مطالب و تصاویر خلاف عفت عمومی و اشاعه منکرات و تبلیغ علیه نظام و انتشار شایعات و مطالب خلاف واقع و همچنین اجاره دادن امتیاز نشریه به افراد فاقد صلاحیت قانونی عنوان شده است. قاضی مرتضوی، در نامه دیگری به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، دلیل توقیف هفته نامه «وقت»، شهرام محمدنیاچینید، مدیر مسئول هفته نامه یاد شده را اشاعه منکرات و انتشار تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی، استفاده ابزاری از تصویر زن، عناصر فاسد رژیم طاغوت و اشاعه فرهنگ ابتدال و بی‌بند و باری اعلام کرده است.

بعد از توقف انتشار روزنامه گلستان، هیئت تحریریه آن با صدور شکوائیه‌ای نوشت: خدایا تو شاهد باش که ما نه اولین و نه آخرین، بلکه هشتاد و ششمین جریده‌ای هستیم که در این سال‌ها به بند کشیده می‌شویم. به ما رنگ اتهام فحشا زده‌اند. تو شاهد باش که تعدادی جوان پرورش یافته به دست خودشان را در مملکتی که اسلامی‌اش می‌خواندند و می‌خوانند به بدی لقب می‌دهند. اگر تعدادی دانشجو که جزء طبقه فرهیخته هستند را به اشاعه فحشا متهم و معرفی می‌کنید به دیگران چه می‌گویید؟...

خدایا تو شاهد باش که به خوابگاه و محل استراحت‌مان یورش آوردند، اما دادرسی نبود! خدایا تو شاهد باش که خون‌های بسیاری ریختند و انسان‌ها را به جرم اندیشیدن و نوشتن یا در خانه تکه پاره کردند و یا در خیابان خفه. اما دادرسی نبود!...

بنا به گزارش ایرنا، شمس‌الواعظین، سخن‌گوی انجمن اسلامی دفاع از آزادی مطبوعات، از محمد خاتمی رییس جمهور درخواست کرده است که در قبال توقیف پی‌درپی مطبوعات و بحرانی شدن حوزه اطلاع رسانی کشور واکنش نشان دهد.

از سوی دیگر اخیراً آیت‌الله هاشمی شاهرودی رییس قوه قضائیه جمهوری اسلامی، از تصویب لایحه‌ای برای محدودیت سایت‌های اینترنتی خبر داد.

بلافاصله حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان، پس از اعلام این خبر گفت، سایت‌های اینترنتی باید مشمول قوانینی باشند که سایر رسانه‌ها را در برمی‌گیرد و کلیات این قوانین باید یکسان باشند. شریعتمداری، ضمن بیان این مطلب در باره لایحه جلوگیری از جرایم اینترنتی، به خبرگزاری دانشجویان ایران گفت: سایت‌های اینترنتی هم نوعی رسانه هستند بنابراین الزاماً باید مشمول قوانینی باشند که رسانه‌های دیگر را در برمی‌گیرد.

شریعتمداری که قبلاً یکی از بازجویان زندان اوین بود و اکنون از سوی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، مدیر مسئول کیهان است در به بند کشیدن آزادی بیان و ساختن سناریوهای سیاه رنگارنگ علیه نویسندگان و روزنامه‌نگاران و به عنوان یکی از چهره‌های مخوف که با سازمان اطلاعات همکاری تنگاتنگی دارد، شناخته می‌شود.

با توقیف روزنامه گلستان، هفته نامه «وقت» و ضمایم روزنامه «ایران» لیست تعداد نشریات توقیفی از اردیبهشت ۱۳۷۹، به تعداد ۹۰ روزنامه و نشریه رسید.

ریشه سانسور در ایران، تاریخ طولانی دارد و حداقل در سال‌های اخیر، این سیاست غیرانسانی به شدت اعمال شده است. سانسور یکی از ابزارهای سرکوب و خفقان دیکتاتورهاست و آزادی را به مسلخ می‌برد.

هنگامی که خمینی، رهبر رژیم جمهوری اسلامی، فتوای ترور سلمان رشدی را که مقیم انگلستان است صادر کرده بود، سانسور و تروریسم به شکل عریان تری در نظام جمهوری اسلامی تثبیت شد. اکنون نیز این سیاست ضدانسانی همواره با شدت بیش تری از سوی رژیم جمهوری اسلامی دنبال می شود. رژیم جمهوری اسلامی، دشمن آزادی و برابری، نه تنها اجازه انتشار روزنامه مستقل را به کسی نمی دهد، بلکه حتا اکثر روزنامه های جناح «دوم خرداد» نیز تعطیل کرده است. این رژیم اعتصاب ها و اعتراضات را سرکوب می کند. نویسندگان و فعالین سیاسی را ترور می کند. نهایت امر رژیم جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک رژیم آدمکش، آزادی کش و تروریست در جهان معروفیت دارد.

### جنگ جمهوری اسلامی با تروریسم؟

کمال خرازی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، اظهار کرده است که «ایران نقش سازنده ای در جنگ با تروریسم ایفا کرد اما پاسخ آمریکا برای همه بسیار عجیب بود». کمال خرازی، در مصاحبه با روزنامه لس آنجلس تایمز گفت: آمریکا فرصت طلایی بهبود روابط خود با ایران را از دست داد. به گزارش ایرنا، از واشنگتن، خرازی، در این مصاحبه که روز چهارشنبه به چاپ رسید گفت: در یک سال گذشته همکاری ایران و سازمان ملل برای جنگ با تروریسم افزایش یافت و این فرصت مناسبی را برای واشنگتن فراهم کرد تا پاسخ مثبتی به کمک های ایران بدهد. وی گفت: اما در شرایطی که ایران کمک های زیادی برای از بین بردن طالبان و القاعده ارائه کرده بود، آمریکا ایران را جزئی از محور شرارت خواند».

بی شک رژیم جمهوری اسلامی، تنها یک رژیم خطرناک و تروریستی برای جامعه ایران و مخالفینش نیست، بلکه این رژیم در همه کشورهای جهان، سازمان های تروریست اسلامی را کمک می کند. بنابراین خرازی، بیش از دیگران آگاه بر جنایات این رژیم است. او، در مقام وزیر امور خارجه، به خوبی آگاه است که سفارت خانه های جمهوری اسلامی، مسئول طراحی ترور مخالفین در خارج از کشور است. او بهتر می داند که رژیم شان چه تعداد از مخالفین را ترور کرده است و چه مبالغ هنگفتی مالی و معنوی به سازمان های تروریستی مانند جهاد اسلامی، حماس، حزب الله لبنان و ... یاری رسانده است؟! بنابراین بر خلاف ادعای خرازی، رژیم ایران، یک رژیم تروریستی است! یعنی اگر قرار باشد به طور واقعی با تروریسم مقابله شود، اول باید سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را از اریکه قدرت پایین کشید و به خاطر جنایت شان بر علیه بشریت به پای میز محاکمه کشاند. رژیم جمهوری اسلامی، به لحاظ ایدئولوژیکی و عملکرد سیاسی و اجتماعی هیچ دست کمی از طالبان و القاعده ندارد. چه تفاوتی بین ملاعمر و بن لادن با خامنه ای، یزدی، شاهرودی، رفسنجانی و خاتمی وجود دارد؟ همه این ها دشمنان درجه یک آزادی و برابری هستند. همچنین آمریکا، هر جا پایش برسد غیر از ارتجاع و سرکوبگری ارمغان دیگری برای مردم آن جا نخواهد داشت. آمریکا، بیش از ده سال است که مردم عراق را با حملات هوایی مداوم و محاصره اقتصادی به خاک سیاه نشانده است و اکنون نیز در حمله نظامی به این کشور اصرار می ورزد. این عمل آمریکا، رسماً به نمایش گذاشتن تروریسم دولتی است. حق طبیعی مردم هر کشوری است که با حاکمان دیکتاتور خود تعیین تکلیف کنند. بنابراین آمریکا و متحدانش دل شان به حال مردم عراق و ایران و کره شمالی و افغانستان نمی سوزد؛ آنان به دنبال منافع اقتصادی و سیاسی خود هستند و در این راه از هیچ جنایتی فروگذار نمی باشند. از این رو نه آمریکا و متحدانش و نه رژیم هایی از نوع جمهوری اسلامی، نه تنها مخالف ترور و سانسور و سرکوب نیستند، بلکه عاملان اصلی تحمیل بی حقوق اقتصادی و سیاسی و فرهنگی به مردم و سازمان دهندگان فرقه های ترور هستند.

اگر آرشيو پلیس مخفی کشورها باز شود، بدون شک پرونده رژیم جمهوری اسلامی در سازمان دهی ترور مخالفین و کمک به جریانات تروریست اسلامی، از همه سنگین تر و قطورتر خواهد شد. برای مثال کانال ۴ تلویزیون سوئد، شب پنجشنبه ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۲، فیلم مستندی را از عملیات تروریستی جمهوری اسلامی نشان داد که فقط برگ کوچکی از پرونده سنگین عملیات تروریستی جمهوری اسلامی در این کشور به شمار می آید. در این فیلم نشان داده می شود، با این که پلیس مخفی سوئد (سیوا)، از فعالیت های تروریستی عوامل جمهوری اسلامی اطلاع داشت، اما تلاش چندانی برای جلوگیری از آن به خرج نداده بود. همچنین تحقیقات خود را در رابطه با ترورهای جمهوری اسلامی، از جمله ترور غلام کشاورز، عفت قاضی و کامران هدایتی که از شهروندان سوئد بودند را هنوز به اطلاع افکار عمومی مردم این کشور نرسانده است. لابد منافع و مصالح اقتصادی و سیاسی و رابطه دولت سوئد، با رژیم جمهوری اسلامی، به زندگی و حرمت فعالین سیاسی و اجتماعی ارجحیت دارد!؟

با پخش این فیلم مستند و تکان دهنده از فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی در سوئد و چشم بستن دولت سوئد به این فعالیت‌های غیرانسانی فضای مناسبی را برای افشای سیاسی رژیم جمهوری اسلامی به وجود آورده است؛ حال باید دید که چه اندازه سازمان‌ها و احزاب و نهادها و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مخالف جمهوری اسلامی، به ویژه اپوزیسیون چپ و کمونیست و آزادی‌خواه از این فرصت در جهت بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی و بستن سفارتخانه، کنسولگری، مسجد و مراکز فرهنگی آن رژیم در سوئد، به عنوان مراکزی که تروریسم در پوشش آن‌ها هدایت و سازمان‌دهی می‌شود، با همبستگی مردم آزادی‌خواه سوئد، استفاده سیاسی و اجتماعی به نفع مبارزه مردم ستمدیده و آزادی‌خواه ایران خواهند کرد!!

۲۱ سپتامبر ۲۰۰۲